

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۳۳، دوره هشتم

سال هجدهم، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۱

کمیته اقدام برای آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران

خطاب به کلیه مبارزان و سازمان های مدافع حقوق بشر در جهان

در پی علم محکومیت ایران در اجلاس سالانه سازمان ملل که محصول محاسبات سیاسی و توازن قوای بین المللی بود و نه ناظر بر استمرار نقض حقوق بشر طی سال گذشته در کشور ما و با توجه به غیاب گزارشگر ویژه در سال جاری، موقعیت زندانیان سیاسی ایران می تواند، بیش از پیش، مورد مخاطره قرار گیرد.

«کمیته اقدام برای آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران» ضمن ابراز خرسندی و استقبال از آزادی بخشی از زندانیان عقیدتی-سیاسی در ایران (از طیف نیروهای ملی-مذهبی و نهضت آزادی)، بدینوسیله مراتب نگرانی خود را نسبت به سرنوشت سایر زندانیان سیاسی اعم از روزنامه نگاران، مبارزان سیاسی و بویژه فعالین جنبش دانشجویی اعلام می دارد.

هم اکنون وضعیت برخی از زندانیان همچنان نامشخص است: از میان دانشجویان آقایان احمد باطنی، برادران محمدی، محمد مهدی، حمید جعفری و علی افشاری، و از میان روزنامه

نگاران، پژوهشگران و شخصیت های سیاسی، آقایان احمد قابل، حسن یوسفی اشکوری، سیامک پورزند، عبدالله نوری، عمادالدین باقی، اکبر گنجی و خسرو کردپور، آقایان سعید صدر و خلیل رستمخانی (دو تن از مترجمان کنفرانس برلین)، و تعدادی از زندانیان از یاد رفته ی گذشته مانند آقایان علی تهرانی، حسن حوری، کریم چوکشت، احمد غیائی و عبدالله دیناروند، همچنان شرایط دشوار زندان را تحمل می کنند. لیستی از اسامی ده ها تن از این زندانیان بر روی صفحه اینترنتی کمیته ما در دسترس عموم قرار دارد.

«کمیته اقدام برای آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران» ضمن ابراز قدرانی نسبت به کلیه تلاش های تاکتونی سازمان های مدافع حقوق بشر و آزادی بیان در جهان، در دفاع از حقوق و حیثیت زندانیان سیاسی ایران، خواستار حفظ هویشیاری عمومی و تداوم این مبارزات تا آزادی کامل تمامی زندانیان عقیدتی-سیاسی ایران است.

پاریس، ۵ اردیبهشت ۱۳۸۱ - ۲۵ آوریل ۲۰۰۲

«کمیته اقدام برای آزادی زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران»

معضل مسکن و ریشه یابی فساد حاکم بر آن

در طول چند هفته گذشته مسأله توقف فروش تراکم در بعضی از مناطق تهران و بالا رفتن قیمت فروش تراکم در دیگر نقاط تهران، به یکباره قیمت مسکن را شدیداً بالا برد و نگرانی های عمده را نزد افکار عمومی دامن زد. این مسأله حتی به مجلس شورای اسلامی هم کشیده شد. مسایل اخیر و افزایش بی رویه مسکن که نقش مهم در زندگی تمامی افراد جامعه را دارد، بیشتر از آنکه مربوط به اتخاذ سیاست های جدید باشد، عمق فساد گسترده ای را نشان می دهد که در نهایت ضربات اصلی و جدی آن را به زحمتکشان میهمان متوجه می سازد.

اعطای اجازه برای ساختن آپارتمان های چند طبقه و بالاتر از استاندارد هایی که در طرح های جامع شهری پیش بینی شده است، حق تراکم نامیده می شود. به معنی دیگر صدور اجازه ساختمان به میزانی بیش از ضوابط قانونی یا حق گسترش ساختمان در قضا را حق تراکم می نامند. این مسأله در تهران از موقعی آغاز گردید که کریاسچی، به عنوان شهردار تهران در این پست ابقاء گردید. شروع به کار کریاسچی همزمان بود با پایان جنگ و شروع سیاست های خانمان برانداز «تعدیل اقتصادی» رفسنجانی. در پرتو سیاست های نوین به دلیل اینکه تا مین هزینة های شهری به عهده خود شهروندان محول شده بود، شهرداری تهران سهل ترین و آسان ترین راه حل، یعنی فروش تراکم را به شهروندان تحمیل کرد. این سیاست با اینکه باعث کسب درآمدهای هنگفت برای شهرداری تهران گردید اما عوارض زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به واسطه رشد لجام گسیخته جمعیت در تهران را نیز به همراه داشته است. امروز تقریباً تمامی کارشناسان معتقدند اتخاذ چنین سیاستی نه تنها باعث رشد سرسام آور مسکن گردید بلکه عوارض جنبی دیگر آن مانند افزایش تورم شهری و تمرکز بی تناسب جمعیت در محلات شهر ماحصل اتخاذ چنین سیاستی می باشد. توقف فروش تراکم در بعضی از محلات و افزایش قیمت تراکم در دیگر نقاط، قضیه مربوط به بحران مسکن را بیش از آنی که بحرانی بود، بحرانی تر کرد. سوالی که امروز مطرح است این است که

ادامه در صفحه ۲

تمکین و تسلیم کامل، خواست ارتجاع حاکم

تحولات هفته های اخیر، از جمله یورش مجدد به روزنامه های منتقد و بستن روزنامه «بنیان» و «ایران» بار دیگر نشان داد که مرتجعان حاکم مصمم و با برنامه از پیش تعیین شده در راه سرکوب کامل جنبش مردمی و روند اصلاحات پیش می روند. امیر محبیان از تئوریسین های ذوب شدگان در ولایت در سلسله مقالاتی که خطاب آن بیشتر به نیروهای خارج از حاکمیت بود (ملی-مذهبی ها) شروطی را معین کرد که در چارچوب آن این نیروها می توانند به فعالیت سیاسی بپردازند. «تقارب با نظام و فاصله گیری از مواضعی که رفتار براندازانه را به ذهن متبادر می کند، همسویی با منافع ملی و اولویت دادن به آن همزمان با سرزبندی روشن با اراده خشن ایالات متحده در مورد ایران و منطقه و نیز دستیابی و باورمندی به قرارتی از ولایت فقیه که پروانه حضور در سطوح موثر سیاسی است»، از جمله نکته های اصلی این پیش شرط ها بود.

نکته جالب اینکه در هفته های اخیر نیروهای «خودی» مدافع اصلاحات با ارائه ارزیابی های کاملاً نادرست و خوشباورانه از «سر عقل آمدن» جناح مقابل و حاکم شدن «عقلانیت» در برخورد های سیاسی سخن می گفتند و با طرح دلایلی همچون آزادی شماری از زندانیان «ملی - مذهبی» خبر از گشایش امور می دادند. به عنوان نمونه ارزیابی های زیر قابل تأمل است. «ما شاهد تعدیل رفتارهایی از سوی جناح راست هستیم. به طور مشخص در چند ماه اخیر زندانیان گروه موسوم به ملی-مذهبی از زندان آزاد شده اند، برخورد با مطبوعات کمی ملایم تر شده و در صدور رای علیه مطبوعات شتاب آنچنانی دیده نمی شود، در عین حال مسایلی هنوز وجود دارد و به قوت خود باقی است.» (عرب سرخی، عضو سازمان مجاهدین)

«در حال حاضر یک سلسله رفتارهای عقل گرایانه را در جامعه شاهد هستیم که نشان می دهند،

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه معضل مسکن و ریشه یابی ...

به واسطه کدامین عوامل به ناگهان بر اثر توقف یا اجرای يك سياست جديد قيمت های مسکن سير صعودی بالا می پند می کند. مهدی آیتی، نماینده از بیرجند در این باره می گوید: «فروش تراکم در تهران باعث افزایش ناهنجاری های اجتماعی در این شهر شده و جرم و جنایت را در تهران بیشتر کرده و باعث نابسامانی در ترافیک تهران و آلودگی هوای تهران و محیط زیست در این پایتخت بزرگ شده است.» (نوروز، ۲ اردیبهشت) در واقع امر آن چیزی که در طول دوران ریاست کرباسچی تاکنون در شهرداری اعمال می گردید، بیشتر از آنکه مفری برای بهبود وضعیت شهر بزرگی همچون تهران باشد، منبع درآمد مشتی چاولگر بود که ریشه آن تا بالاترین مقامات حکومتی را در بر می گرفت. هر چند محاکمه کرباسچی بعد از انتخابات دوم خرداد گوشمالی دادن او به واسطه مسایل سیاسی بود ولی این واقعیت که در طول دوران ریاست وی ضربات مهلکی به بافت شهری تهران وارد شد را امروز کمتر کسی می تواند منکر شود. پلوریان تهرانی، کارشناس مسایل اقتصادی در مصاحبه ای با ایستا، ۲۷ آبان ۸۰، در این باره می گوید: «اعتبار حاکم بر بخش مسکن و توانایی این بخش در کسب بیشترین سود در کمترین زمان، انگیزه و رویکرد اساسی سرمایه گذاران در این بخش از اقتصاد، به جای سایر قسمت های تجاری و بازرگانی می باشد.» مسأله سود جویی در معاملات مسکن منحصر به دوران کنونی نیست، اما پیامدهای فاجعه بار آن در آینده می تواند باعث تلف شدن هزاران نفر از هموطنانمان گردد. مشاور مسکن و شهر سازی در این باره اظهار داشت: «بیش از ۷۰ درصد ساختمان های کشور با شیوه غیر مهندسی ساخته شده و در ساخت آنها مقررات و دستورالعمل های ایمنی رعایت نشده است.» (نوروز، ۵ مهرماه ۸۰) بهاء الدین ادب رئیس سازمان نظام مهندسی استان تهران از بی توجهی نسبت به نظارت کیفی در احداث ساختمان ها در شهر تهران انتقاد کرد. وی گفت: «بخش عظیمی از ساختمان هایی که در پایتخت ساخته می شود، در مقابل زلزله مقاوم نیستند. تهران يك بتانسیل بالقوه زلزله دارد و با وقوع زلزله در این شهر در بسیاری از جهات دچار مشکلات جدی خواهیم شد.» (جمهوری اسلامی، ۱۷ مهرماه ۸۰) دکتر محسن غفوری آشتیانی در پاسخ سئوالی مبنی بر میزان تلفات احتمالی در صورت وقوع زلزله در تهران می گوید: «برآوردهای مختلفی برای میزان تلفات انسانی احتمالی ذکر شده است. در چنین شرایطی ما با بزرگترین فاجعه انسانی روبرو خواهیم شد. حداقل نیم میلیون نفر تخمین زده می شود.» (نوروز، ۳ اردیبهشت ۸۱) به این ترتیب بحران کنونی مسکن را نباید در اعمال سیاست های جدید مبنی بر توقف یا افزایش فروش تراکم جستجو کرد. ریشه این معضل سال هاست که گریبانگیر زحمتکشان میهن گردیده است. دلیل آن هم بافت فاسد سیاسی است که برای بیشترین سود در کمترین زمان ممکن، سیاست هایی را به اجرا در میآورد که در دراز مدت صدمات و زیان های جبران ناپذیری را نصیب زحمتکشان و سودهای نجومی را نصیب حاکمان فاسد می کند. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ آذر ۷۹ می نویسد: «بررسی های انجام شده در مورد وضعیت میزان تقاضا برای مسکن در شهر تهران نشان می دهد، در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار خانوار متقاضی بالقوه مسکن در این شهر وجود دارد.» گزارش مذکور جمعیت این خانوارها را نزدیک به يك و نیم میلیون نفر برآورد می کند. برای اینکه عمق فاجعه بیشتر نشان داده شود استاد به صحبت های عبدالعلی زاده وزیر مسکن جالب است. وی می گوید: «ایران فاقد فناوری روز دنیا در زمینه بلند مرتبه سازی است و آنچه که هم اکنون مورد استفاده قرار می گیرد، متعلق به ۳۰ سال قبل است.» (ایرنا، نهم بهمن ۷۹) با توجه به اینکه در طول سالیان اخیر و پیش از آن، سودجویان حاکم اقدام به بلند مرتبه سازی کردند تا از این طریق نه به حل مشکل مسکن، بلکه کسب حداکثر سود لازم دست یابند، می شود به این حقیقت آشکار پی برد که در واری تمامی این بحث های رد گم کن، آن چیزی که اصلاً مورد بحث و نقد قرار نمی گیرد، ریشه یابی اصلی معضل مسکن است. حاکمان فاسد در رژیم ولایت فقیه بعد از سالها چپاول از این طریق، هم اکنون که به مرحله بحرانی، نتیجه اعمال سیاست های ضد مردمی خود رسیده اند، بدون اینکه بخواهند خللی و یا خدشه ای به بنیان فاسد و ضد مردمی خویش وارد آورند، بار دیگر آسان ترین راه حل را در فشار به زحمتکشان میهن یافته اند. با وجود يك بافت و ساختار سیاسی فاسد امید به حل مشکل مسکن زحمتکشان از محالات است.

غیر مترقبه بی نیست و در واقع ادامه همان برنامه منظم و دقیقی است که ارتجاع در سال گذشته با هدف «غذ مالی» و در انتها نابودی روند اصلاحات و سرکوب جنبش مردمی دنبال کرده است. واضح است که ارزیابی های خوشبینانه در مورد آزادی شماری از زندانیان «ملی - مذهبی» نیز با واقعیات روز جامعه همخوانی ندارد. محکومیت احمد زیدآبادی به ۲۳ ماه زندان و پنج سال محرومیت از حقوق اجتماعی، احضار ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی به دادگاه، احضار جدید نیروهای «خودی» به دادگاه در مورد پرونده شهرام جزایری، رفت و آمدهای بهزاد نبوی به دادگاه در مورد پرونده پتروپارس، مفتوح شدن پرونده ای دیگر برای علی افشاری، محکومیت ناصر زرفاشان، وکیل خانواده قربانیان قتل های زنجیره ای، صدور حکم ۸ سال حبس برای سیامک پورزند و توقیف روزنامه «بنیان» نه تنها نشانی از «رشد عقلانیت» در بین ذوب شدگان در ولایت نیست بلکه مویذ این نظر است که «در بر همان پاشنه می گردد» و ارتجاع بی کم و کاست به برنامه های خود ادامه می دهد.

در چنین فضای سخنان روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت محمد خاتمی که او در آن با اشاره به تحولات سیاسی اخیر، تهدید به استعفاء کرده است قابل تأمل است. خاتمی طی سخنانی در مراسم معرفی معلمان نمونه گفت: «در مسیر تحقق اصول و شعارهای دولت، مشکلاتی وجود دارد که یا از سر اختلاف سلیقه است و یا ناشی از جفا های افرادی که پشت پرده طور دیگری فکر می کنند و به خود اجازه می دهند بر خلاف رای و خواست مردم، هر کاری انجام دهند.» (نوروز، ۱۶ اردیبهشت)

وی همچنین اظهار داشت: «برخی می خواهند با ایجاد فضای آشفتگی و بحرانی، ماهی مقصود خود را صید کنند در حالی که در فضای آرام، هر چند کندتر، می توان به اهداف ملت دست یافت. اگر توانستیم خواست ملت را برآورده کنیم، مردم، ما را می پذیرند، اگر نتوانستیم، کنار خواهیم رفت و ملت، خود، راهش را ادامه خواهد داد.»

تمامی این اقدامات، مباحث و درگیری های جناحی در حالی صورت می گیرد که، در هفته های اخیر موج ناآرامی های اجتماعی به نحو فزاینده ای گسترش پیدا کرده است. در طول هفته گذشته سلسله اعتراضاتی که حتی در بعضی موارد منجر به بستن راه ها نیز گردید اکثر دانشگاه های کشور از جمله، دانشگاه یزد، دانشگاه آزاد بیرجند، دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و چندین دانشگاه دیگر را به بهانه معضلات صنفی دانشجویی دربر گرفت که گاه تا چندین روز ادامه داشت. به علاوه سلسله اعتراضات کارگری که به مناسبت روز کارگر هم تشدید گردیده بود نگرانی های آشکار مرتجعان حاکم را برانگیخت.

با توجه به واقعیت های آشکار درون جامعه، می توان نتیجه گیری کرد که رشد فزاینده ناراضی عمومی نه تنها باعث درگیری های بیشتر جناحی برای «حفظ نظام» گردیده است، بلکه جامعه ما را در آستانه تحولات غیر قابل پیش بینی قرار داده است. تهدیدهای محمد خاتمی بعد از توقیف روزنامه «بنیان»، نشانگر ناامیدی او از امکان راه گشایی در زمینه حفظ روند اصلاحات است. پس از نزدیک به پنج سال تجربه به نظر می رسد که خاتمی و همفکران او کم کم به این نظریه که حزب ما در فرای دوم خرداد ۱۳۷۶ اعلام کرد می رسند که مرتجعان حاکم مصمم اند با استفاده از همه امکانات سد راه تحقق خواست های جنبش مردمی گردند. مرتجعان حاکم خواهان تمکین و تسلیم کامل اصلاح طلبان خودی در مقابل خواست های «ولی فقیه» اند و به هیچ چیز کمتر از این نیز رضایت نخواهند داد. در مقابل این خواست یا باید تسلیم شد و به اردوی مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم پیوست، یا به گوشه نشینی و عزلت رفت و یا با اتکاء به توده های مردم آزادی خواه به مقابله و مبارزه پرداخت.

حزب ما همچنان که در پنج ساله گذشته مرتباً تکاور کرده است، اعتقاد عمیق دارد که رژیم «ولایت فقیه» اصلاح پذیر نیست. رژیمی که اساس آن استبداد خشن فردی و ابزار حکومتش سرکوب خشن و خونین مخالفان است نمی تواند هیچگونه قربانی با «مردم سالاری» و «جامعه مدنی» داشته باشد. تنها با طرد این رژیم است که می توان راه را به سمت تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک گشود. در این راه تشکیل جبهه واحد همه نیروهای ضد استبداد یگانه راه مطمئن تحقق خواست های جنبش مردمی است.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 633
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse بانک